

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۷ مارچ ۲۰۲۰

دلایل مسافرت "مایک پمپئو" به کابل!

۴

پنجشنبه- ۰۷ حمل ۱۳۹۹ - کابل:

۵ - حل اختلافات انتخاباتی باند های قدرت:

همان طوری که از قبل نوشته بودم و اعلامیه خشن و دور از ادب وزارت خارجه امریکا نیز بر آن صحنه گذاشت، یکی و شاید هم اساسی ترین مسأله و غرض از آمدن "پمپئو" به کابل، حل مناقشات حاکمیت بین جناح های مختلف قدرت در افغانستان بوده است.

هموطنان گرامی!

خلاف تصورات واهی تبلیغات فریبکارانه عده ای که جمعی از آنها می کوشند، بار ملامتی را به کردن "غنی احمدزی" بیندازند و جمعی دیگر بر گردن "عبدالله عبدالمود"، این اختلاف ژرفتر و گسترده تر از آن است که بتوان آن را به دو فرد خلاصه نمود. چه آنها هر یک نمایندگی از روند های مختلف، سیاست های مختلف و تعلقات طبقاتی مختلف می نمایند، در نتیجه اگر یکی و یا هر دوی آنها نیز نباشند باز هم مسایلی که آنها را در تقابل به یک دیگر قرار داده، به جای خود باقیمانده، دیرو یا زود باز هم توسط افراد دیگری علم خواهد شد. به نظر من آن مسایل نکات آتی اند:

الف- همان طوری که "غنی احمدزی" در سخنرانی اش بعد از رفتن "پمپئو" به صراحت گفت و رسانه های طرفدار "عبدالمود" هم کاغذپاره ای را زیر عنوان خواست های وی منتشر ساخته اند، مسأله اساسی اختلاف در سیستم ریاستی و صدارتی است. یعنی در حالی که "غنی احمدزی" با تکیه بر برداشت های خاص خودش و همپالگی هایش از به اصطلاح "قانون اساسی" ساخت استعمار که به وی قدرتی بیش از "امیر عبدالرحمان خان" قایل شده اند به شدت طرفدار حاکمیت انحصاری و فردی ریاستی می باشد و به زعم خودش تمام ۳۵ میلیون نفوس افغانستان می باید به این انتخاب "اصلاح" استعمار سر تعظیم و تمکین فرود آورند، من جمله "عبدالمود" به مثابه یک مأمور اجرائی به مانند "سرور دانش" بلی گویان احکامش را انجام دهند، "عبدالمود" می خواهد در کل سیستم ریاستی به صدارتی تغییر یافته، من بعد هیچ فردی نتواند از موضع "حاکم مطلق" بر کشور حاکمیت نماید.

ب- ریشه این اختلاف دقیقاً بر می گردد به کنفرانس اول در بن المان و به تعقیب آن به، به اصطلاح "لویه جرگه" قانون اساسی که در آن "خلیلزاد" از یک جانب با نشان دادن باغ های سبز و سرخ و از جانب دیگر تهدید افراد به "کفپائی"

برداشتن - حتا به فردی مانند برهان الدین ربانی- و کلاه بازی ها و برخورد های ظریفانه "حامدکرزی"، قادر شد سیستم ریاستی را به تصویب برساند.

گذشت زمان یعنی از یک جانب مقاومت طالب که در بطن حمایت کشور های دور و نزدیک در عمل "ببر کاغذی" بودن امپریالیسم امریکا و بقیه اشغالگران را به اثبات رسانیده هراس اولی عقبه "عبدالمود" یعنی باند های جمعیت، شورای نظار ، حزب وحدت و جنبش را از بین برد و آنها متوجه شدند که در بطن شرایط و اوضاع بین المللی حاضر، امریکا نمی تواند به مثابه قادر مطلق عمل نماید، از جانب دیگر برخورد خشونت آمیز توأم به توطئه های رسوا و زور گوئی های شخص "غنی احمدزی" در عوض برخورد های فریبکارانه و ظریفانه "حامدکرزی"، عقبه "عبدالمود" و خودش را متوجه ساخت که دیگر جایی برای عقب نشینی برایشان باقی نمانده، یا باید همین حالا از خود مقاومت نشان دهند و زیر نام "شرکت اقوام" در اداره کشور منافع فردی و گروهی شان را حفظ نمایند و یا این که، از نو خود و افغانستان را به دوران "واسکت بریدن" های عبدالرحمان خانی پرتاب نمایند.

ب- تقابل بین کمپرادوریسم و فیودالسیم استحاله یافته و درزبرداشته، نکته دیگریست که تبلور خود را در تضاد بین "غنی احمدزی" و "عبدالمود" بازتاب می دهد.

یعنی در حالی که جواسیس تکنوکرات در کل و "غنی احمدزی" به صورت مشخص به نمایندگی از قشر چاق شده و بادکرده کمپرادوریسم تلاش دارند تا افغانستان را در کلیت آن برای دراز مدت به مثابه زایده امپریالیسم در سیاست ها و اقتصاد نئولیبرالی گره بزنند، "اسلام سیاسی" در تمام برآمد های آن به نمایندگی از مناسبات درزبرداشته و استحاله یافته فیودالسیم در تلاش است تا از موضع دفاع از فیودالسیم سیاسی درتقابل با کمپرادوریسم و خالق آن امپریالیسم حیات خود را تضمین نماید.

دیده می شود که در اینجا باز هم مسأله جنگ و برخورد شخصی بین "غنی احمدزی" و "عبدالمود" نیست. یعنی حتا اگر آنها شخصاً بخواهند با هم صلح نموده به سهم خود قانع شوند، اقشار و طبقاتی که آنها از آن نمایندگی می نمایند، به آنها اجازه نمی دهد تا پای شان را از جدال به عقب بکشد.

ادامه دارد